

مجموعهٔ «حالا داستان را من تعریف می‌کنم» - ۳

راستش را بخواهید، شئل قرمزی خیلی از خودش متشکر بود!

داستان شئل قرمزی از زبان گرگ

نویسنده: تریشا اسپید شسکان

تصویرگر: جerald گریس

مترجم: محبوبه نجف‌خانی



مَلْچ! مَلوچ! وای، ببخشید. داشتم ناهارم را می‌خوردم.
اسم من گرگ است... گرگِ بدِ گنده. شاید قصهٔ شنل قرمزی
کوچولو را شنیده باشید. همان که دربارهٔ یک دختر و
مادر بزرگش است. به نظرم، همه شنیده‌اند، اما غصهٔ من
فرق دارد. گفتم غصه؟ منظورم قصه بود.

